مبانی توفیق معلم در فرایند تعلیم و تربیت/ به مناسبت بزرگداشت روز معلم

پدید آورنده : سید حسین اسحاقی ، صفحه 30

توانایی علمی استاد

در عرصه تعلیم و تربیت عواملی تأثیرگذار بوده و زمینه ساز توفیق به شمار می آیند. نخستین عامل قدرت علمی استاد است. بی شک، توانایی علمی استاد در شکوفایی علمی و تکامل فرهنگی شاگردان نقش محوری دارد که این توانایی در ابعاد زیر تجلی می یابد. هر استادی باید با پیش مطالعه و جمع آوری مطالب مورد نظر به ارائه درس بپردازد. نداشتن مطالعه پیشین و گردآوری نکردن تحقیقات لازم، سبب پراکنده گویی و سطحی نگری معلم و اتلاف وقت دانش آموزان می شود و به طبع، رونق علمی کلاس از بین می رود. استاد باید بر مطالب و مسائل مرتبط با موضوع اصلی درس احاطه داشته باشد.

همچنین باید از دیدی علمی و بیانی عالمانه برخوردار باشد. پس باید به طرح مباحثی بپردازد که درستی آن برای خودش به اثبات رسیده و جزء باورهای علمی او شده باشد و از بیان مطالبی که در آن مطالعه و تحقیقی ندارد یا از حوزه مهارت و تخصص وی بیرون است، بپرهیزد. همچنین، از اظهار نظر درباره پرسش هایی که به آن اشراف کامل علمی ندارد، دوری کند و به آسانی بگوید: «نمی دانم» و از دو پهلوگویی پرهیز کند. این نکته مهم؛ یعنی خودداری از سخن غیر عالمانه، در فرهنگ اسلامی به عنوان حق الهی شناخته شده است. در روایتی آمده است: از امام صادق (علیه السلام) پرسیدند: حق خدا بر خلق چیست؟ حضرت فرمود: «آن است که آنچه می دانند، بگویند و از گفتن چیزی که نمی دانند، خودداری کنند. در چنین وقتی است که حق خدا را ادا کرده اند».

آن حضرت در کلامی دیگر فرمود:

آدمی در رویارویی با پرسشی که پاسخش را نمی داند، باید بگوید «نمی دانم»، نه آنکه بگوید: «خدا داناتر است»؛ زیرا چنین سخنی، پرسش گر را به تردید می افکند و سؤال شونده را در معرض اتهام قرار می دهد.

روش تدریس

از نشانه های قدرت علمی استاد، شیوه ارائه بحث و تسلط بر مطالب درس است. استاد باید برای هر چه بهتر و پر بار کردن فضای علمی کلاس و بالا بردن جذابیت آن، همواره بکوشد. به این معنا که با آمادگی ذهنی و خلاقیت فکری، زمینه انتقال بهتر مطالب را فراهم آورد و بر ترغیب و توجه علمی دانشجویان بیفزاید. دیگر آن که، مباحث درس را به گونه ای مرتب و منظم کند که با توجه به فرصت کلاس، مطلبی فراموش نشود و از قلم نیفتد. در این راه، صفت بردباری برای استاد بسیار لازم است. استاد خسته و کم حوصله، هیچ گاه کارآیی لازم علمی و برخورد مناسب اخلاقی ندارد.

البته نوآوری و ابتکار در هر کاری معنای خاص خود را دارد و در این جا، به این معناست که استاد در نوع و روش ارائه درس، صاحب نوآوری باشد و از کلام و بیان تازه و نو استفاده کند. این امر جز با تحقیق و تتبع از یک سو و تعمق و تفکر از سوی دیگر میسر نمی گردد. کلاس یکنواخت و بدون تنوع و تازگی، فاقد حرکت علمی و انگیزه پژوهشی خواهد بود. استاد باید از یک سویه بودن بحث پرهیز کند و دانش آموزان را به سوی پرسش گری سوق دهد. این رویه، توجه و تأمل شاگردان را بر می انگیزد. شرکت دادن ایشان در مباحث درسی، دریچه های دیگری از علم را به روی آنان می گشاید. همان گونه که امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «پرسشگری کلید علم است».

جاذبه معنوی معلم

معنویت استاد در کنار قدرت علمی او در سامان دهی صحیح شخصیت دانشجو مؤثر است. داشتن روح پاکیزه و با طهارت از نخستین نشانه های استاد باتقواست و این طهارت روحی بر روح و جان دانشجو نیز اثر می گذارد. نورانیت معلم، نشانگر روح پاک اوست؛ زیرا علم نوری است که در هر قالبی نمی گنجد و به هر قلبی جاری نمی گردد؛ جز آن که روح آدمی به درجه والای تقوا و تدین رسیده باشد. در روایتی از امام صادق (علیه السلام) آمده است: «علم به آموختن نیست، بلکه نوری است که در قلب کسی که خدا هدایتش را بخواهد جای می گیرد».

جلوه دیگر معنویت استاد این است که تعلیم و تربیت را وظیفه الهی بداند. البته این بدان معنا نیست که هیچ گونه توجه و چشم داشتی به مسائل مادی نداشته باشد، بلکه معنویت را برتر از امور مادی بداند و به منفعت های مادی چندان توجهی نداشته باشد. در این صورت، برکات فراگیر تعلیم و تربیت بر جنبه های مادی زندگی نیز اثر می گذارد. از امام صادق (علیه السلام) روایت است که فرمود:

آن که سخن علمی را به انگیزه سود دنیایی بخواهد، از بهره اخروی نصیبی ندارد و کسی که آن را برای خیر و رهاورد آخرت می جوید، خدا به او خیر فراگیر دنیا و آخرت را خواهد بخشید.

همچنین استاد باید وظیفه خود را جدی بگیرد و آن را امری حاشیه ای نداند؛ زیرا چنین روحیه ای میزان محبوبیت علمی و اخلاقی استاد را کاهش می دهد. داشتن حس مسئولیت و وظیفه شناسی در قبال تدریس از سرمایه های معنوی استاد است. جلوه آشکار چنین روحیه ای نظم و انضباط، حضور به موقع، بهره گیری از تمام فرصت ها و پدید آوردن روح تحقیق و توجه به سلامت اخلاقی دانشجوست.

شادابی اخلاقی، صداقت و امانت داری استاد

استادی موفق است که نهاد کلاس و کلامش بر پایه روانی شاد و رویی گشاده بنا شده باشد. از این رو، ناراحتی های احتمالی بیرون از محیط تدریس نباید به صحنه درس و کار علمی او وارد شود؛ زیرا بر کارش تأثیر منفی خواهد داشت. به همین دلیل در فرهنگ دینی، بر اظهار شادابی حتی در حالت غم و اندوه تأکید شده است. امام علی (علیه السلام) می فرماید: «مؤمن واقعی شادی اش پیدا و اندوهش پنهان است.»

متانت و ادب استاد در شیوه نگاه، کلام، لباس پوشیدن، راه رفتن و نشست و برخاستن آشکار می شود. استاد در عین نرمی و فروتنی باید بسیار سنگین و با وقار باشد و از شوخی زیاد و ناروا بپرهیزد. امام صادق (علیه السلام) هشدار می دهد که: «شوخی زیاد، موجب شکستن شخصیت و مایه آبروریزی انسان و یا جرئت دیگران می گردد.»

همچنین استاد باید صادق و امانت دار باشد؛ زیرا این ویژگی از والاترین ارزش های اخلاقی به شمار می رود. در کلام دیگری از امام صادق (علیه السلام) آمده است:

«خداوند متعال هیچ پیامبری را جز به راستگویی و امانت داری نسبت به همگان، چه خوبان و چه بدان فرا نخوانده است و معلمی نیز شغل پیامبری است و باید مانند پیامبر مشی کرد.»

در حقیقت دانشجو و دانش آموز، امانتی هستند که به مدرسه و دانشگاه سپرده می شوند و این معلم و استاد است که باید با تلاش و بهره گیری از همه ظرفیت های تعلیم و تربیت، آنان را به سر منزل مقصود رهنمون شوند.

در کار علمی سخنی درست و پذیرفته است که محققانه باشد و استادی امین است که نگرش و نگاهش تربیت ساز و اخلاق آفرین باشد. از این رو، معلم باید همواره مراقب گفتار و رفتار خویش باشد. یک استاد شایسته از رفتار ناپسند دانش پژوه، بی اعتنا نمی گذرد، بلکه با درستی و خیر اندیشی در صلاح او می کوشد.

محبت و صمیمیت استاد

هر چه پیوند عاطفی میان استاد و دانشجو عمیق تر باشد، شوق علمی دانش پژوه بیشتر می گردد. در حقیقت، مهر و محبت استاد، راه ارتقای علمی و اعتلای اخلاقی را برای شاگردان هموار می سازد. اگر استاد بخواهد نفوذ کلام داشته باشد، باید با دانشجویش ارتباطی گرم و بی آلایش برقرار کند و انسی همراه با میل و شوق داشته باشد. این ویژگی، سبب تسلط روحی استاد بر فضای دل و جان شاگردان می شود و آنان همواره او را به عنوان رهبری سازنده خواهند پذیرفت. بردباری و نرم خویی، یکی از شرایط برقراری چنین ارتباط تأثیرگذاری است. امام سجاد (علیه السلام) می فرماید: «از حقوق شاگردان بر استاد آن است که با آنان به درشتی و سختی رفتار نکند.»

نرم خویی استاد سبب ارتباط آسان دانشجو با وی می شود و از راهنمایی های رحمت آفرین او استفاده می برد. اگر استاد لباس بردباری و فروتنی بر تن کند، این ارتباط ماندگار و ثمربخش خواهد بود. امام علی (علیه السلام) می فرماید: «دانشمند سه نشانه دارد: دانش، بردباری و سکوت.»

تلاش برای تربیت دینی دانش آموز

معلم هماره دو وظیفه مهم بر عهده دارد: یکی آموزش و دیگری پرورش. نتیجه آموزش، عالم شدن است و فایده پرورش، انسان شدن. علم و ایمان مکمل یکدیگر هستند و وجود عالم بی ایمان و مؤمن نادان، برای جامعه زیان بار است. پس معلمان در کنار تربیت علمی باید به رشد دینی دانش آموزان نیز بپردازند. حضرت علی (علیه السلام) درباره تربیت پذیری جوانان می فرماید: «قلب نوجوان مانند زمین کاشته نشده، آماده پذیرش هر بذری است که در آن پاشیده شود.»

یکی از روش های تربیت دینی، به کارگیری پند و اندرز است که اگر بجا و مناسب از آن استفاده شود، بسیار مؤثر است:

نصیحت که خالی بود از غرض

چو داروی تلخ است، دفع مرض

سعدی

البته ممکن است آثار پند و اندرز، فوری نباشد، ولی در درازمدت اثر خویش را نشان می دهد، همان گونه که سعدی سروده است:

گر چه دانی که نشنوند، بگوی

هر چه دانی ز نیکخواهی و پند

زود باشد که خیره سر بینی

به دو پای اوفتاده اندر بند

دست بر دست می زند که دریغ

نشنیدم حدیث دانشمند!

ممکن است دانش آموز مطالب علمی را فراموش کند، ولی به سختی مطالب دینی و اخلاقی را از یاد خواهد برد.

عشق یا بی میلی معلم به حرفه خود

بی اعتنایی و بی میلی معلم، آسیب جدی برای علم و دانش است، به ویژه اگر این بی میلی به دانش آموز نیز منتقل شود. اگر این سردی در دانش آموز نیز جریان یابد دچار افت تحصیلی شدیدی می شود و آینده ناامید کننده معلش را در برابر خود می بیند.

اگر معلم زندگی خود را با دیگران مقایسه و به زندگی تجملی دیگران توجه کند، احساس نارضایتی به او دست می دهد و تصور می کند که علم و دانش در جامعه بی ارزش شده است و در نتیجه، نمی تواند این تبعیض مالی را تحمل کند و رنج و اندوه او را فرا می گیرد و با خود می گوید:

افسوس که نان پخته، خامان دارند

اسبابِ تمام، ناتمامان دارند

آنان که به بردگی نمی ارزیدند

اکنون کنیزان و غلامان دارند

علامه فاضل گروسی

معلم باید بداند که ارزش آدمی به مال و ثروت نیست؛ زیرا معلمان، از جایگاهی والا میان نیک فطرتان جامعه برخوردارند و باید به امید گشایش و پیشرفت بیشتر در حکومت اسلامی از این آزمون ها سربلند بیرون آیند و ارزش علم و اندیشه را به خوبی پاس بدارند تا شاگردان نیز از احترام به علم و دانش معلمان خود درس بگیرند و انگیزه خود را برای فراگیری افزایش دهند. معلم باید با مطرح کردن ارزش علم و مقام دانشمند، دانش آموزان را به کسب علم و دانش تشویق و از مقام والای عالم نزد خالق متعال آگاه کند که در قرآن آمده است:

«خداوند، کسانی را که ایمان آورده اند و کسانی را که به آنان علم داده شده است، درجات عظیمی می بخشد.» (مجادله: 11)

علما و دانشمندان بر همه گروه ها برتری دارند:

خور و خواب تنها، طریق دد است

بر این بودن، آیین نابخرد است

خُنُک نیک بختی که در گوشه ای

به دست آرد از معرفت توشه ای

سعدی

معلم می تواند با بیان آیه ها و روایت ها در فضیلت علم و دانش، شیوه زندگی دانشمندان و خدمات آنان، ناپایداری دنیا و مادیات، بقای علم و معرفت و با بازگو کردن سخنان بزرگان و اشعار شاعران در این باره انگیزه دانش جویی را در شاگردان خویش افزایش دهد.

طرح معلم برای تدریس

«معلم باید درس و بحث خود را قبلاً مطالعه کرده و آن را به صورت مدون در آورد تا از شتاب زدگی، لغزش و واژگونی درک و فهم در امان باشد. در طرح درس تمام زوایای امر مقدس تدریس مورد بررسی قرار می گیرد و برای معلم مشخص می شود که درس خود را به چه شیوه ای مطرح کند و از کجا و چگونه شروع و به کجا ختم کند.

طرح درس باعث می شود که مخاطبان، مطالب را در کمترین زمان و به بهترین شیوه دریافت کنند و در نتیجه، از سخن معلم خسته نمی شوند و همواره مشتاق و تشنه دریافت علم خواهند بود.»

معلم باید در طرح درس، به این نکته ها توجه کند:

از بیان مطالبی که به درستی به زوایای آن آگاهی ندارد، خودداری کند که خداوند در قرآن کریم می فرماید: (و لا تَقْفُ مَا لَیسَ لَکَ بِهِ عِلْمُ)؛ «آنچه را به آن آگاهی نداری، پیروی مکن.»

حضرت علی (علیه السلام) نیز در این باره می فرماید: «چیزی را که نمی دانی، مگو، بلکه همه چیزهایی را که می دانی هم مگو.»

همچنین، استاد نباید بر اساس حب و بغض شخصی، مطالب کسی را رد کند، بلکه حقیقت نگری و واقع گرایی را سر لوحه کار خویش قرار دهد که مولوی می گوید:

چون غرض آمد، هنر پوشیده شد

صد حجاب از دل به سوی دیده شد

استفاده از بهترین شیوه تدریس، برای تفهیم دانش آموزان ضروری است. پس معلم باید از به کار بردن الفاظ با محتوا و قالب یکسان، بیش از یک بار پرهیز کند؛ زیرا مطلب برای مخاطبان روشن شده و تکرار آن خسته کننده است و نکته آخر این که به موضوعی که از آن سخن می گوید، حتما علاقه و ایمان و بصیرت داشته باشد.

ارتباط معلم با دانش آموزان

اثر بخشی بدون ارتباط، بی معناست. همه معلمان در همان ابتدای کارشان در می یابند که ابتدایی ترین و در عین حال مهم ترین وظیفه آنان، چگونگی برقراری ارتباط با شاگردان است. معلمانی که خواهان ایجاد یک رابطه کارآمد با دانش آموزان هستند، نباید در کلاس بر تنبیه تأکید ورزند، بلکه تا آنجا که ممکن است برای اجتناب از مخدوش شدن رابطه معلم و شاگرد، در استفاده از تنبیه خست نشان دهند و در صورت تکرار رفتارهای نامناسب از جانب دانش آموزان، از تنبیه های ملایم مانند محرومیت که بیشتر جنبه نمادین دارد، استفاده کنند.

یکی دیگر از راه های برقراری ارتباط، استفاده از شوخی است، ولی به شرط آنکه این شوخی ملایم، محترمانه و ظریف باشد. بهتر است معلمان، جو کلاس را پر نشاط و شاد سازند، ولی نباید یک یا چند نفر از دانش آموزان کلاس موضوع خنده باشند، بلکه باید با هم خندید نه به هم.

همچنین معلم باید از تبعیض میان دانش آموزان بپرهیزد و با عدالت با آنان رفتار کند. البته معلم نباید تفاوت های فردی فراگیران را نادیده بگیرد و همه آن ها را یکسان تحت آموزش و پرورش قرار دهد، بلکه باید تفاوت ها و قابلیت های دانش آموزان را بشناسد و مطابق با هر کدام، رفتاری مناسب در پیش گیرد. معلم باید به صورت کلامی یا در عمل، به شاگردان بفهماند که هر یک از آن ها وجودی پر فایده و منحصر به فرد دارند.

معلمان باید برای اثبات علاقه خود به دانش آموزان و به دنبال آن جلب همکاری آنان، راه هایی بیابند تا فراتر از آنچه دانش آموزان انتظار دارند، عمل کنند. برای مثال، در زمان استراحت نیز به گرمی شاگردان را بپذیرند و به پرسش های آنان پاسخ دهند و این حس را به آنان منتقل کنند که مزاحم نیستند و معلم از کار کردن و کمک به آن ها لذت می برد. معلمانی که به هنگام برخورد با دانش آموزان خلق و خوی ثابت و آرامی داشته باشند، بهتر می توانند ارتباط خود را با دانش آموزان تحکیم بخشند.

دانش آموزان دوست دارند به معلمانی تکیه کنند که با ثبات و قابل پیش بینی هستند. بر عکس، دانش آموزان برای جلب توجه و کمک معلمی که رفتارش غیر قابل پیش بینی است، ناگریز از تغییر خود هستند و همواره فکر آنان درگیر این موضوع است که آموزگار چگونه با آن ها برخورد خواهد کرد.

پی نوشت ها:

1. محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج 1، ص 53.

2. همان، ص 33.

3. ذبیح اللّه اسماعیلی، اصول توفیق در حوزه تربیت و تدریس، صص 30 - 32.

4. اصول کافی، ج 1، ص 31.

5. بحارالانوار، ج 1، ص 225.

6. اصول کافی، ج 1، ص 37.

7. همان، ج 2، ص 179.

8. همان، ص 487.

9. همان، ص 85.

10. بحارالانوار، ج 2، ص 62.

11. اصول کافی، ج 1، ص 29.

12. نهج البلاغه، نامه 31.

13. سوره مجادله (58) آیه 11.

14. محمد علی خردمندی، بایسته های معلمی، صص 18 - 21.

15. سوره اسراء (17) آیه 36.

16. نهج البلاغه، ترجمه: فیض الاسلام، حکمت 374.